

اخبارات داخله

حکومت میسری بیت پوچ هزار و پوسه من باب ساقین میارغانه در قلائیکی از می ایست منظور نموده

اعلان از طرف حکومت هند شده که هر کس از میسری بجان لندن سفر کند لازم است که در خارج از چهارمجا نماند و استخوان کند که آثار طاعون در او نباشد و این قانون از ابتدا ای سپهر جاری خواهد شد قبل ازین در چهارمجا نماند و استخوان نمی شد

مالت ایتمینه روز بروز ترقی می نماید تا آنکه بر جوالائی در اعلی حکومت هند (۱۹۵۴۰۰۰۰۰) روپیه بوده سال گذشته در همین ایام (۱۹۵۴۰۰۰۰۰) روپیه بود که آنکه گزشته توفیق خنده از یکصد چنده طبعون روپیه بود سال گذشته توفیق خنده نوک طبعون بود است

از پورت تازه معلوم میشود که سوی سوئیس و در اس قمار تمام صیحات هند شده است در صوبه داس (۵۲۴) نفر از حکومت ادا در رفع قطع همنوز مال می نمایند در میسری (۱۶۲۴۲) نفر در کارهای رفع قمار می کنند (۱۵۳۳۱) نفر قمارخانه از حکومت می یابند این مراتب ظاهر میدارد که تاکنون در صوبه میسری قمارخانه ها با لک دفعه قلم نشده است

امسال همان زیادت هند موجب پورت دولتی قابل اطمینان است تا آخر ماه گذشته میسری و طبعون و یکصد همنه جمع شده است حال آنکه سال گذشته در همین مدت میسری و یکصد و چنده هزار زیاده جمع نشده بود و امسال یک طبعون و ششصد و روپیه اضافی حاصل دولتی از اطلاق و ارضی شده و یک طبعون و پانصد همنه از پوسه اضافی در اصل بنک بوده است

هر چه سکه که ملاحظه شود در سیم پست خانه جات هند جهت اخبارات بر می نقصان دارد اگر چه یکسای است توپ چهار توله وزن اخبارات را یک پیسه قرار داده اند و اینچه ملاحظه میکنم این اضافی وزن بحال اخبارات بر می سفید نیست غالب اخبارات همنه از سکه توپ کمتر است نقصانی بزرگ اجرت پست دادن جهت مباد است اخبارات معمولی همنه با چنده شصت اخبار مبادله دارد و همنه ها که بامده و سکه در صورت چنانچه مبادله مبادله بزرگ مبادله مبادله در این اخبار یک اجرت نیم پیس می تزد و کامیرفت ازین برشته شده که هر طرف نقصان اخبارات است اگر اخبارات بعضی و پیشی حکومت همنه بر سطر وزیر پست پیش نمایند مناسب است تا مباد در جسته امانا اگر چه دشوار است

بعضی بامیسگو مند که آنکه کوبی همنه قانونی خواهند نهاد که اگر بفرستی بفرستی حکومت میسری معمول دارد و چند روز قبل در لندن این موضوع زیر بحث بود که آیا

انگلستان را بجز ابرو کوبی نمایند اهل انگلستان بامسرای این قانون رضانه اند که شکست قانونی را که متحدین انگلستان قبول کنند ای همنه که شود برینم چشمی قبول نمایند مالا باید دید که در مجموع چکار در دولتی خواهد شد

بامیسگو حکومت میسری بوجبه فاده خزینه لازم است و طبعون در برود و جمع کرد و در وقت فوق العاده حکومت میسری را ازین فیضه باز داشته

بعضی از موافقین همنه لازم میارند دارند ولی همنه روز دین شده امید است که بموقع خود بارود

میگویند که در همنه تغییر شهر میسری را از سر نو قبول منظور نموده است نقصانی این امر از حد بیان میرود منت لی بوسیله طاعون مجبور شد

در زمان سرمدی که مینمیشین بود از اتمامات جدید به رنگ آمدند این که افغانان نموده اند

حکومت میسری اخبارات را اجازه داده که سوی هر خبری که از روی سیاست افغانان این لازم است اخبارات بدون و ایدر در دست آوردن اخبارات کلی و نشر آن می نمایند

حضور لارو الکن فکندن فرمای همنه ۹ فرموده و در کلکته شده در کلکته روانه ملک بر سر خواهند شد

حکومت در اس اعلان داده که قواعد طاعون در کراس هم جاری خواهد شد رعایا نباید غفلت شود مثل کلکته سخت گیری نخواهند کرد

حکومت مالک ششالی و میسری رای داده اطفا لک مجبور شده مطلقه از قلم بنایه داد

حکومت تعیین بد سورت یکصد و چنده هزار روپیه بود میسری پنج جهت نقایات رفع طاعون اعلان فرموده است نقصانی مالی طاعون در همنه از دست طبعون روپیه اضافه شده علاوه بر نقصانی جان که تخمین از یکصد هزار اضافی است

در راه چون چینه که از میسری بسالک خار جسته ستاده هفت طبعون یکصد و پانزده یکصد و هشت روپیه بجا آمده است

چون در جنوب افسیه قبا اهل همنه ظلم شود حکومت در کسب ساقبت بدان صوبه مانع نموده است

در حال افسیه از ملک همنه صرف در راه چون بوجوب پورت میسری هشت طبعون و هفت هزار روپیه بود میسری چهار طبعون و یکصد و هشت و یک همنه تک در وقت یکماه بفرستند

در کمره نیز علاوه بر همنه های بزرگ ذات و نقصان اشغال قانونی بکوبی خواهند کرد

از جمعی که در مجلس واضح می شده است ظاهر می شود که خزینه عالی و در شکر است
یک دینار در خزینه موجود است عالی شدن خزینه به جهت قله و انتظام طاعون
بوده است طعنه از ای داده اند که مصارف طاعون را حکومت بپردازد

مصدقین بر سر دین در ماه و صبر باز از نو شروع خواهد شد
پکستان محمد اسماعیل خان بهادر و کل سبسی افغانستان در شمل با فرزندای هینه
عالی شده است این چندی که از آن جمله در اسب کابی بوده پیش نموده اند
و کسانا موریت خود را اظهار داشته بجز رسیدند است

در آسام از قبرستان انگلسان مرده بار آمدند و از این رو شور و خفاست
تحقیقات می شود

اخبارات خارجه

برج کاش اخبارات انگلیسی از زیاد قضا و کالیف ساقه مهدی سوره ای
بگفته اند که در عقب فرست میگردد

یسکونین ایام بسیار بسیار و قشون معدی سودانی اختلاف واقع شده این
از قبایل خصم است

دولت علی عثمانی از کار عاجز است آلمان که هزار باره توب نوسازید و افست
فی توبی تخمید شمش هزار و چند داری گفته بود

در برای ایتالیا که بر سران شده بود نهنگ و نو و فرزند است سزا ای مختلف است
در روسیا و هند افند قواد که زمین که بر تر سوال حل می نمود بود در کندن
سزایات تو مثل و منبع آئین مقرر شد امارت جمهوری تر سوال دور نیست در جبا
اعراض نماید با کابل و در صد و خفت با دولت انگلس شود

دولت چین حکم بمانتن چهار تانگی تازه داده است ملی تمام این مراتب
فکندن روسی است که در چهار تان مقرر شوند درین سلسله کم روس کایاب شد و از
چین مسیح گرفته که آینه تربیت تری و کجکی قشون چین با قیام روس باشد
و افندان روسی مقرر شوند

سعدن سنگی در (بولو وایو) افسیه عقاید شده از مالک آن نیز اینچنین چل میون و
بمنه از پر و بجز بیکویندین سعدن نهایت بر منفقت است

بقول اخبارات انگلیسی از سال این طرف یکصد میون طلا برای روسی کرده است تازه
طلای هم که از دلپ آمده بود چهار روس فرموده معلوم نیست چه از او نیز در کار
دیکستان اولد ریور و کوی میکنند که اترک غنشی نموده داده دارد و با همان
سجده ای قوا روس ملی کند

یسکونین با کجی سخی آینه در صد قتل امپراطور روس بر آمده کامیاب بگویند

چندی قبل از آنکه بود که در صد قتل امپراطور روس بر آمده بود که
افزاده است که در روس کم کم می آینه پرسس آفرینند و یک کاسه سحر آمیز کرد
بوشن اتفاق در گرفت انگلیس اول امریکانها تان بریزند طوفان طاعون را تمامند
و آنچه معلوم است سخی هم درین نیست

مواجب سپه سالار بکسی دولت انگلس سالانه هزار لیره و مواجب زیر جنگ
چهار هزار پانصد لیره است

روسیها به جهت خواب کردن دولت انگلس این با هم اظهار مودت و دوستی با انگلیسها
تجارت آلمان از پادشاه کوریا بجز سگارساقتن آهین شده بود تا ناسلر کرد
سکه و دیگر چیز در شبلو آمده و با باب را قابل بود از است و در سینه شبلو
سودان گفته بکسی بسیار محکم کرده و سنگلسته

در سینه قشون امریکانها که در کوه اند با اینکه سردار اسپانیاسلیم منیه را اقرار کرده
بود و می خواست سبای خریزی شود و ابرایانها دستند بشری دست سینه
متصرف شده باشند

فیلان این زمین در مجمع البسه از سیکویند که در اول ششصد میره است
غالب جبهه از جنوبی فیلان که سوله ای نامند آلا اسلامیان است از تمام یونان
مسلمان سوله است

شهر منیه که در انگلس در مجمع البسه از فیلان است از ای سینه جبهه فیلان است
این ایام مثل مورخ و دعا و سخی هجوم بجانب جزایران آورده اند
دولت آلمان آنرا در ولده و بیست سال دیگر هم باشد تمام این جبهه از بقره
خواهد آورد

معلوم می شود که االی انگلسان از معاملات خارجه در آن شهر خود را حتی نمی باشند
دور نیست که بجهت از افتساح پارلمان و وزارت مایر تبدیل شود و حتی با ایاری است
که از وقتی لا که سال سیری وزیر خارجه و رئیس پارلمان شده در هر قوه خارجه که
سلسله سیاسی پیش آمده حکمت عملی دولت انگلس انتصالی کلی رسیده در خارجه
از منستان در مساله گرفت این وقت که مساله از کجین موضوع بحث است که تمام
این مراتب دولت انگلس عقب افتاد از فریزان سخی را خیال بر آن است
که وزارت تبدیل خواهد شد

چون پرسس بسیار خود و بیست کرده بود و در فصل نامه خود را در سینه امپراطور
آلمان هم در سلسله رضایت داد

رسم این طاعون داده شده که آمدی از رعایای دولت انگلس با ذوق نیست که چون اجازه
نشانی از دول خارجه قبول استمال نماید افوس کابن کم سوال قبل نشد

(رای یکی از دولتمندان)

دولت ایران میانه دور قریب معتد رهنی روس و انگلیس گرفتار است از یک طرف روس بکانت خود می کشد از طرف دیگر انگلیس طرف خود در دوشین دور قریب بکیت ایران نمی معتد نیست ملی در شهنی هسکیک آنها دولت ایران را نقصانی بزرگ معتد راست است دولت علیه ایران اگر آسایش و یمنه باید در بد دوستی خود را با این دو دولت بالمسادی قسد و بد با بستد و در نوع دوستی عمل نماید و یکی را مقابل دیگری گذارد و دل خود را در پناه هیچ کدام کشد و امید نفع از هیچ کدام نداشته باشد و اعتبارات ملکی مثل افک قنون یا ساختن راه آهن و غیره را هم هیچ یک ندهد اگر دولت علیه ایران با یکی از این دو دولت قریب سازد و از او قسض نماید و یا این با دوید دیگری همان مسئله لیل کرده و اعتباری برتر از اعتبار قریب نخواهد خواست چنانچه در پیش کرده اند اگر بدول فسد یک پیش رفت چنانچه خود کرده و وعید با بد می میدهند چنانچه دولت انگلیس همین وعده کرده بود که هرگز کسی نمی آید که بجز او داده بشود من در جواب دهمی او تمام این وعده که خواه روس بگوید یا انگلیس همه دروغ و پوچیک است اینها آمده اند از منتفع شوند نه اینکه در دوستی ما با دشمن در مقابل خود بکشد شده و محبت ما از مال و جان خود بگذرد بی اگر اختلاف میان آنها سخت شود و خوف جنگ باشد لابد میگویند که فیصله امر باید در لندن و پتربورک شود و آسیرین نتیجه تقسیم منافع است راست است اول مقام مخصوص روس و انگلیس قریب یکدیگر اند ولی رقابت آنها در بدون منفعت است چگونه در یکدیگر در حق ناقصان بکنند با یکدیگر نزارند اگر چه مغزای آنها بیکدیگر با کوهها نمی و انشا را امید بکنند ولی ایغای بان جهود نخواهند کرد و ما نباید بریمان برسیده آنها بچاه روم و قیصه ما هر زمان است که باین دور قریب و تنگ کنیم المسوات و هیچ گونه اعتباری هیچ یک نهیم چنانچه ما را بماند آنها خواب میکنند با هم آنها را بماند که خواب نذاریم و در باطن صدها ریختن کلی دلی جوش بر ایمیم تا وقتیکه تو ایمیم شمشکیم خود را از آب بچشم

(تونس)

اخبارات اسلامی حسودا و اخبارات هستند و ایران خصم مناجوح کامل از حالات کلنی و پادشاه عالیتره که با هر وقت واقف می باشد ازین رویه و در کلی جزا که و حالات شخصی پادشاه عالیتره هست نمایند درین هیئت جناب مستاد دستگاه خامی عبد الصمد تا جسد بدوی که کی از رجال صاحب جان مستاد

شناس است از تونس ملی نوشته و قیاح نگاری صبل المین را در هیئت فرس گرفته نیستند و وعده فرموده اند که زیادد حالات کلی را که را بنین چون او را به جنگ المین بصیغ بنگاری ایشان قناده کلی دارد و با کمال آمان در قیاح نگاری ایشان را قبول ننوده

(عراق)

وقتی با جنگ المین از تونس میسر شده که در عرض هفت سال مدخل کلی پادشاه عالیله را که دو کوزه شده است این امانه بچند و چه است اول تو سعادت بنده از همین وسع با زغال سنگ یافته اند و در آن صدها امورین شخص دولت کار میکنند یک چشمه آبی ملک زیاده از تعداد سکنه در عرض دو سال تخمه شده که محبت دو مسجون رو سپرد دولت را که ازین نفع کرده رشتند مدخل تازه عراق و دست تجارت وارده و خارج است چنانچه حساب کرده اند در عرض دو سال از تجارت که از عراق خارج شود در صدی هفتاد و پنج تری کرده و مال التجاره که دارد در عراق می شود و صدی یکصد و سی و شش امانه شده یعنی از کارخانه های جدید هم بجهت رفع تنگی ای حضرت پادشاه عالیله از دو سال این طرف را کرده اند در هیئت یاد و سال دیگر امانه وارده و خارج را که بر اثر شود ای حضرت پادشاه عالیله در صدی تری ملک عرف ایت رعایا کمال قوی را دارند هشتصد هشتاد و نه در صدی هشتاد و یک در عراق است خود در صدی آن دولت و یکصد در صدی ام دولت بر پر است است سنی در کمارف او پادشاه از حسیج خاص شرکت فسد کرده و انتظامش نیست در قبضه دولت است باقی ما در هیئت که رجوعی بدولت ندارد اسالی پادشاه در مجلس نزار و عقیرت فرموده است که تمام مدارس را در انتظام خود بیاورد یعنی از ملت نیابت نماند ولی بزود تمام مدارس را دولت قبضه خود خواهد آورد و در دو ساله قبل در شهر پاکت مدینه در ترمین کشید بر سر شمشیر پادشاه افتتاح شد و چند نفر از خطین المانی در آن مرتبه تسلیم شوند پادشاه عالیله نهایت امانت صاحب غیرت و محبت در مدینه و شامی از ذهاب در بگو و سلطنت چند نفر در این مابین میر و ملک علی چون اینگونه خرابی در معاملات کلی واقع شود دست خانی را از کار برید این وقت تمام احوال دولت و کفایت شکست دولت اسپانیا بیکدیگر بسیار مال را که میبندد واقع شده تمام دول فسد کند همین باز کرده اند در تعیین عراق که در سوخ فسدند و در عراق از اول سار و پیش است بعد از آن انگلیس پادشاه عالیله قیسی بجهت آنها را نشانی که آنجا است و مانده با دولت المان کمال را بطریق کرده است

مکالمه شیخ ایرانی با حسن حسینی خوان بزرگ
 ایرانی - بگره شاشاق باشد جنبه باینده بیستم که کام عمل گرفته است از خود و دیگر
 ایران این منکات تعلق فرمایند

حسنی - جناب آقای صاحب این کا صعب و مشکل نیست از زنده ایرانی
 دولت و ده سالی ملت با اهل ابر صورت خواهد گرفت و اگر از طرف قرین است
 این حضرت شاهنشاهی اشاره شود و آنکه منتهی این کار با بر وفق تو خواهد بود
 ظهور خواهد آمد

ایرانی - لطف فرموده اصل کار را بعد باینده تا بدانم
 حسینی - ابتدا از باینده طیف است شاهنشاهی می صادر فرموده از خود
 ایران صبی از علم و دانشند حقیقت پسند که محبوب القلوب رعایا و سماع الملک
 بر ایما باشد یعنی از عالم و انسانی حق گوئی مسالک را بظهور این حضرت
 مجلس شورای ملی که این بزرگان دین و دولت منقده ساخته و قدس انگذاری
 شود با مصفا و بگی و در یک شهر و بلد که شش بیست تا هشتاد و پنج نفر در آنند
 و کام متدین بی فرض از خاندان شریف اصل موابج و مستوی با هیئت که گفتا
 مناجات آثار با احوال ایشان و قدس ایشان نماید امور و همین نماینده و این مسکن

منقسم بینه قسمت شود اول برای واری و تجویز نماید (دوم برای
 استیفاء که اگر از آن تقاضا همین برای بیکم که اول باشد ثانیاً درین یک
 دوم استیفاء نماینده دوم از برای اجبای احکام که از ده مسکن سابق باینده
 و درین مسکن کی از انما و بزرگان دولت شریک باشد که احکام با اتفاق
 حکام شریع و حکام عرف تمام شود یعنی حکام شریع بوجوب قراین شریعت قطع
 محکمات و خصوصیات نمایند و حکام شریع بواقع اجبار رسانند که من
 موافقت اتفاق نشود و اتفاق ملازم بزرگ کتب فقهیه است تمام را که در مسالک
 بی باشد زبان ملک سلس و مویع ترجمه کرده موافقت اختلاف اقوال را یک
 قول که اشهر و اولی که نزدیک تر باشد فرموده آورده و بطبع رسانیده و بکلام
 یا کفنه کنند که هر کس کوفه ملاحظه کرده اند کار و بار صادر و خصوصیات خود
 مستخرج و با جنبه باشد برای کام هم همین مقرر است و در آنکه کلمات احکام
 مذکور در این کتاب بنامند و آنچه را که حکم میدهند از روی قواعد و قوانین آن
 کتب استخراج و علم ماکم که کار کرده و در اجبای احکام بر شهوات شود
 و بتوجهی در رعایت حکم نمایند و از برای مناجات مقتدا و وظائف قانون
 باینده شود که اگر کسی بیرون است یا بی کسی بکنند از ثبوت او عاجز بکنند
 مناجات منی علیه است که هر که در حق خود را بر تبهت شکر نماید و باین

دری علیه حق شش می رانند کرده و بهشت فخرات وی شده و این است نصان
 بی و دارد آورده از جمله آن بر آید و نام کامل بری برساند و بنیان ماحم کار را بطریق
 شریعت مقرر کرده و در کتب فقهیه ترجمه شده و علاوه بر آن اختلافات و در هر جنبه
 یکجمله تجویز کرده و در بزرگ بر شهر در آن مقرر نمودیم و در کار سال احکام
 بزرگ دست مقرر و رسیده که منتهی بود و در طریق اجبای احکام تمام مقرر و سال کرده
 هر که مکن از ایشان بر خلاف شریع و مطابق رای و خواهش خود می کرد و کار می کرد
 این کام بزرگ دست که در یک این عمل شکرانه حکومت بر آورده و در هر مسکن که
 در هیچ کاری از کارهای متعلق بشریع انوار اول طاعت نمیند باینده است که در صورت
 کار با مطابق ظاهر خواه اجسام بزرگ و این مسکن باید در دست طاعت و فقهی و مسکن
 در هر کجای که در مسالک و در شهر بزرگ و دیگر ایالت بر قرار است شریع و احکام
 شریع شمرهای دیگر این مسکن بزرگ مین گویند و در حق تمام محکمی بزرگ
 و دیگر ایالت باید مسکن بزرگ که در در اول تمام مقرر مسالک و فقهی است
 باشد تا اگر سخن همین در حکام ساده محکمی ایستند و مکرهای بیاید بکنند
 و ایالت و مقام آنکه را نمی نمایند و عرفی داشته بروج بیکر مقرر شده و در ایالت
 نمایند و در ایالت باینده روی داد و در اول و در ایالت و در ایالت و در ایالت
 و ایالت بیکر که در هر کجای بفرستند تا بجهت و در هر مسکن شود و هر کس که در ایالت
 مسکن جاری شود از آنکه در ایالت بروج بیکر که در ایالت بکنند و در ایالت
 و باینده که در عالم و جبال غریب بومی رعایای و فقهی و رعایای خارجی تمام
 درین احکام داخل و امدی استثنی باشد و هیچ کس را تصدق نماند و برین مقرر است
 این است که باین بیکه در دیگر کار از احوال با احکام که باید آب رفتم که سعادتی
 و احکام متفاده از یک ماکم بروز نکند و اجبای احکام میل کام واقع شود و از برای
 مناجات معارف این محکامات مدی حسن بطنی مقرر و از برای سیاه و سیاه
 مراد تمامین بجهت که از همان مبلغ مقرر کلمات ایشان بر ماکم مشابه مقرر است
 احکام شریع و عرف باینده باین و از روی بی علمی یا بی خبری یا مقرر مردم و از برای
 و مسم شود که بیاس ظاهری عارفان بیکر بکنند از حیث بکنند و در ایالت
 سالی مقرر دارند که عبرت دیگران شود و باین تمام محکامات که از برای بکنند
 در دست قرار مقرر بوجوب خود و دولت باشد و در مقرر از اینان بکنند
 عرفی قانون جاری شود که بی محسن تمن همین بیکر مقرر است و در ایالت
 مسکن محمل باشد باین چند که قاضی کرده بانی را مکرر مقرر و درین استی
 و در آنکه بکنند در فغان اگر حکمت کوفت است و اگر مقرر بکنند برین مقرر است
 فرود است فلان باینده شما اول مقرر شد ایراد بسیار خوب مقرر شد

(اسلام)

این نام متعین را این وقت مسجد میگویند مخصوص بروی خود میگردد و در وقت نماز خود را
 مسکن کامل تصور نمایند و بمجال خود را منحرف از عقاید دین مقدس اسلام نینمایند
 مطابق آن در باید دانست که اسلام را بانی اسلام بقله تعریف نموده اند و برسان
 اتفاقا قلب عمل بارکان و لا اله الا الله برسان و در این واقعا قلب از انحراف موقوفه
 بر سه عالم الفی که مطلق نیست صرف عمل بارکان است بطریق قطع و تعیین است
 بطریق موم بارکان اسلام عمل میکنیم چه در صورتیکه ما ما عمل بارکان میکردیم چه اسلام
 ضعیف باشد و در مسلمان زبون اجابت میکرد و در صاحب شریعت مقدسه اسلام
 عمل بار در قسم نموده بود یکی همانا که است از انذاب نجات داده بود که رحمت
 حق برسانه مثل نماز روز پنجشنبه و غیره و دیگر همانا که دنیا را مسلمانان را میگویند
 در این مقدس آنچه از جمله اجابت نموده و در وقت آن را تکیه میدهند و در روز
 میگردانند اسلام و اسلامیان را مثل نماز و غیره اسلام و غیره مبارک است
 بعضی از عبادت عمل بارکان را صاحب شریعت مقدسه اسلام شخصی در بی وقت است
 بعضی تمام حیرت و با مقام تعجب است که مسلمانان در عمل بارکان آنچه در هیچ
 چیز می بینیم مثل نماز روز پنجشنبه و غیره و از آنکه در جمیع نوع چشم پوشی و
 نظام میگویم مثل نماز و غیره اسلام و غیره این امر باید دانست که اعمال بارکان
 چه واجب است یعنی چه نماز روز پنجشنبه بر مسلمانان واجب است همان قسم است
 بیخلاف اسلام هر آنکه شرف است که مسلمانان تواریخ اول اسلام را ملاطفت کنیم
 دانست که اسلامیان در اسلام در اعمال فروعی عمل بارکان که رابع نوع است
 نیاید و در سینه و سالی بود در این روز در عرصه تعلیم در رابع قومیت آنها باقی بماند
 که بیسبب قوم و ملت زنده بود و عالم بر فضل آنها شهادت میدهد ملازمه برین که
 جنت خود هم روح نمازیم خواهیم دانست که این حقیقت عمل بارکان همان کمال
 ازین است چه اعمال شریفه شریعت است و از بر تو اعمال فروعیه پرورش نیاید
 این گویم که مسلمانان در اعمال فروعیه اسلام که تا بی نمایند از ادای آنها در ادای
 هر اسم هر اسمی که اعمال شریفه اسلام است حدودم خواهد شد چنانچه از وقتیکه که
 گفته اند توحیدش که ذلت و طغیاری و عدم آزادی است باید و می بینند
 بلکه در حقیقت چشم بصیرت و مظهر نموده یک آزادی و قومیت اسلامیان
 این عمل انکار بی باقی نموده و انگیزه برین فاعل و در دنیا این جزئی است
 و در وقت آزادی هر که در دنیا نیست و با خود خواهد شد و قیاس که ما را منحرف از اسلام
 میکنیم مسلم شده که در سالی در سالی تیره و تار است اسلام تمام هم خود را در
 عمل بارکان نوری صفت نموده و در حال و در سالی روحانی که عبارت از عملی اسلام

یک خود عمل بارکان نوری را ترک نموده و در ترویج عمل بارکان شخصی افتاده اند عمل بارکان
 شخصی بقیه هر مسلمانی لازم نیست که در حکمی باقی بماند و در سالی روحانی است
 اسلامی که غیر خواه اسلام اند لازم است سعی نمایند در عمل بارکان نوری اسلام این
 اختلاف و طغیان که در در سالی روحانی اسلام پیدا شده اسباب زبونی اسلام
 گردیده است اعظم و طغیان در سالی روحانی یعنی علمای اسلام آن است که چه
 در کوشش نمایند که مسلمانان بارکان نوری اسلام عمل کنند اعظم ارکان نوری هم
 همانا اتحاد اسلامیان است که در سایه و چه تواریخ رکن مقدس اسلام تمام
 فواصل آنها کمال می شود و آب رفته است که بوی می آید و فتنه بسی مقام تعجب و با
 جای افوس است که بعضی از در سالی روحانی بر عکس طغیان خود عمل نموده و با
 قصد در اسلامیان انداخته و می اندازند یکی خود را شیعه میگردد یکی خویش را
 مسیحی نمازند این مرض عسکر بقدری در اسلامیان سرایت کرده که در شیعه
 مکه فتنه در در شنی هستند از طریق پیدا شده بزرگ خود را بیانی میخوانند
 بسی جای افوس بسیار مقام آسف است که در اسلام افواض شریفه و قیمت
 اسلام بر یاد رفت صاحب شریعت مظهر خود است که این اختلافات و ک
 شخصی در جهت اسلام را از یون کرده میسترسیم گویم اسلام رفت مسلمانان باقی نماند
 اسلام در یک سده و چند سده بود و نیست چه سال است که همه در کوه
 سیاحت میکنم و حالات مسلمانان عالم را حاطه می نمایم در هند فایده تعجب
 و غیره قیمت مسلمانان از دست رفته نزدیک است شیزه استی آنها با یاد که
 ولی مقام شکر است که هستند از هند و هندس اسلامیان کاسته نشده و آنچه رفته است
 از غنای ناموس آنها رفته اگر از مردم مسلمانان بخریش آینه در سالی روحانی
 اسلام تو برنده بماند مکننت مجدد و اوقات اسلام موهوبه و مسلمانان بجاالت
 خود باز آیند و اینست که صورت یکسکه و گورک و سایه اتحاد اسلامیان که
 شاه بود دین مقدس اسلام است شک نیست و نظر در دین اسلام
 دین مقدس اسلام عزیز تر است از ذهب چونند و بی شریعت است و اگر خدای
 نکرده دشمنان اسلام غلبه نمایند و دین مقدس اسلام را از پای در آورند
 نذیری بیهوش باقی نخواهد ماند دشمنان اسلام در سنده و شیعه و سنی نمی باشند آنها
 قیمت که فتنه می خواهند بینا و اسلام را بر باد دهند و از وصیحت الفاظ بی
 بگر که در ایم وقت از دست رفت امر و موقع آن نیست که در سالی اسلام دست
 رومی دست که در قیامت نشینند و در احوال عمل اسلامی و ترقی ندهند و در
 نموده چشم از اسلام بپوشند و بیای بیای اینها طرف مگر اسلام نموده و در
 اسلام دانسته اگر فتنه مست که در است بیکه تات از پای میروند خواهند آورد

آنگونه تصور کردی میست میست سبب خلافت برای حضرت امیر
 بهجت بود اتحاد اول اسلام را علت پذیر آنها خلاف کرده اند از
 ماکه بر آنها راه نبردیم و خلاف میکنیم شک نیست که نسبت خلاف بزرگان
 و متقدمین خلاف است ظاهر است که مخالفی در زمین و پسر و خواهر شخصی
 خود پیشام افوس است که با او شخصی این مقدس اسلام را بر باد میدهد اول
 شت لوده کرد در اسلام گذارده شد میست و دینی بر کس مسلمان میشد جان ال
 عت آبروی خویش را در راه اسلام میفروخت و در عرض هدایت و رشکاری
 میکرد اتحاد باعث بر سر زنی استقام بود و دفاع اسباب بر فردی اسلامی
 شده و عداوت با مسلمانان چشم بصیرت به دمای اعلام را متوجه مسئله
 ایستک نماینده عهد میست سال مسلمانان بهان مارج اول خود را خواهد کرد
 بجهت که اگر از هر طرف آوازه اتحاد مسلمانان بگوش میرسد
(مقوله کی از پادریان در عیسویت)
 اگر چه معاملات آینه گنوم است ملی از قده این بیستون بسیاری از اوقات
 آینه حکم نمود چنانچه یکی از کشیشان نصاری سنوئی را در و غلظ خود بیان کرد
 که در ظاهر کارش میشود

تو خواهد که از روی علوم ظاهره اتفاقا نشان بدین مردم خواهد شد و عاقبت
 مائل به یکسخت خواهد گردید و پدای سندی بر اسم نمی خوانند که در و در کسان
 می مثل احکام تو را نتمند است نه از او ایستد نمود و در یکی که و کسب خواهد کرد
 مرد و یک زن و زن از یک شهر وقت است نخواهند که در و فریب را فریفته
 خواهند شد قوانین تو را نیست یا خواهند زد و عرش و عرش و شراب
 خواری و زنا کاری نخواهند کرد و بد قدری حسد افزوده در امت تو زیاد
 شود که از حد شمار میزدن باشد بعد از آن مسلمانان است تو که در حقیشان
 در سایه اتحاد است با یکدیگر از در تقاضا میگردانند و از روی زنا بک
 و کسب کسبی در عهد و یکدیگر بر آینه و از زیادتی بر بردان خود و برینند از آن
 بر اسطه افند من شخصی و عداوت ذاتی از زیادتی اوام و دیگر بر استان تو
 چشم پرشی خواهد شد و مسلمانان است بهم خواهند افتاد و در مثل فاسد است یکدیگر
 سبادت خواهند کرد در آن وقت غضب الهی بر آنها نازل خواهد کرد و بدین
 در بون و بکران خواهند شد و آنکه هر که در حق بر خواهد گشت تمام
 استیارات است تو را و بکران حاصل خواهند که پس خوشحال هر دو ای که
 دین مقدس تو را در اوج میدهند و به ایصال کسایک که سبب آئین تو میشوند
 تا وقتیکه امت تو در اصلاح عواقب خود و ترویج دین تو باشند نظر تو بر لطف
 من با آنها خواهد بود و هر گاه دین تو را نیست پارت من همس آنها را
 غضب خواهم کرد پس از آن کشیش موصوف میگوید که آنچه را در آسمانی بینی
 حضرت عیسی و عده بشارت داده بود مطابق النسل البعل واقع شده میریت
 تمام عالم را فکرت و سلطنت نصاری نام و تیار اعلام کرد و قبول است
 سلسله استیلا داشت مملکت و غیره و غیره عیسویان نصرانی شدند و عیسویان
 هم اهل و آرض بر تمام مذاهب روی زمین گردید
 این اوقات گرد شامت بر چه سده نصرانی نشسته آنچه که پد آسمانی ما در عهد
 زوال و علت انحصار آنها خبر داده است بر روی میکند در سایه روحانی ظاهر
 رنگی و باطن بر یک دیگر از عارضه انیان مائل به بریت شده اند شراب خوراک
 و زنا کاری در بر دولت نصاری شیوع در اوج شده کفش از آنجا محرم و
 بطرف کف شده عوام زاده بر روی رسیده که سال زاده با انجمن ستارند
 مذمبت قومیت از آنها بر طرف شده و در آمده مسلمانان دست تصرف میرین و
 مالی و جان ناموس نصاری در از کرد و بیخجای آنکه در این امر شکر این اعمال
 سزا خواهند بخش در مخالفت و ضدیت یکدیگر با هم انسان نصاریت سزا خواهند
 سولین نصاری این اقدام را که در استعجاب شود کفش آن ایما که در این

ای چشمه نصاری روزی فتنه زنده حضرت عیسی و فکرت سربازان و نهاده
 از جهالت مفلکت قوم فلکین بودید در برابر حال فتنه زنده رحم آمد کفحت ای قرینه
 دل بند فلکین سببش که بکند از تو را بیکم از امت در دمای که در ترویج دین و
 داین تو خود باشند و از بدل مال جان و اولاد و عتنت و ناموس در
 نازند بزرگوارای خود می فتنه زنده که تو را در زوایای عالم لمبه نمایند
 و بقتله ری بکند و آن تو را فخر کنیم که اقوام غیر بزرگ عالم تو سل با است تو را
 است بابت عت تصور کنند که در گروه فوج فوج بدین تو در آینه ای فتنه
 دل بند فخر خود که روزی امت تو را بر تمام ام سلطنت و سلطنت عالم بر بینه
 اقتدار امت تو هم و امت تو چشمه قبول تمام عالم قرار دهد هم کفر میسج
 از کلمات پدر چون کس من کس من کل میسگفت از نشاست مملکت خود
 و بختند او فتاد تا روز شوالی خندید چون از شمرت شفت نزدیک
 فتنه کند بکر باره بر مال فتنه زنده رحم آمد و زود خرد ملک کرد و کفحت از فتنه
 آنچه را تو بشارت دادم حسنت و جمال خودم قسمت وقوع خواهد رسیده
 ولی حسنت فلکین تو تمام مراتب را که کردم حاصل لازم دیدم که و اتفاقا بک
 تو میگذرد و بک از آن هم جو بگویم که فتنه زنده از آنکه است و قبول ترین و
 عت اقوام شوند و عداوت آنها بر غالب تمام دنیا را که در دستهای کالی در ترویج دین

قبل کنده این مقدار خود را در حق گرفت که کرده خود درین خوش را
 بزبون و ذلیل می نمایند علاوه برین قوی را که باید صرف دشمنان نمایند در حق
 خود هیچ نماینده نظیرش بسیار است اینک جنگ اسپانیا و امریکایا است که
 باین درجه که گویانک نضایت باقیست چندی باقی مانده که از یک تن کن در
 دریا بگفت غوطه خواهند زد و از قتل آن غار جویان استناد می شود که
 قسریست نضایت و عدوت و دل نصاری باینکه کشد و در یکی از انقلاب عالم هم
 و لیون با نفوس تلف شده و تا سی سال فاتح و مغتصب نتواند که رحمت
 نمایند و اگر ایسکه از قوت و استیلا نصاری دم نخوردند در هر نقطه بر این است
 چپاره بازند و در بار از روزگارشان در انداخت نصاری اگر اندک نفع
 شوند قدری مسلمانان در ایدای آنها بکشند که باقیست بر دست نمایند
 این اوقات مسلمانان پیش آمده و در صده و سرتی خود و اتحاد نوعی اسلامیت
 بر آمده اند اگر خدای نخواسته اتحاد در مسلمانان قائم شود و این نفلت در نصاری
 باقی ماند یک مرتبه نفع از عالم کم خواهد شد و قریب بزرگ نضایت است
 و مسلمانان در کمال سرعت ترقی نمایند پسند در مسلمانان آن قوت باقیست
 که اگر قومیت خود را قوت دهند براری با نصاری نمایند از آن روز باید برسیه
 که مسلمانان اتفاق و اتحاد نمایند و بر خلاف نضایت باستانه دعوی ملیت
 بنمایند اموش نمایم و خیالات نهمی مسلمانان را بناید از او و کشیش مذکور
 میگوید آنچه اسباب و ال قومیت در اقوام ساله بوده جسد آنها انوقت
 در ملت نصاری جمع است من بطریق پیشین گوی میگویم که نضایت باقیست
 سال و یکو باین عشر موج سلطان نصاری باین قدرت و استیلا باقی نخواهند
 اسباب زوال جمعیت که از کسیر خدا بر است خود در حقیقت باید

(سکرده افغانستان)

ایکطرف رسماً اعلان میشود که سکرده هند و افغانستان امن است از طرف
 دیگر اخبارات روزانه امیکس روزی نیست که جز قتل و غارت از راه زور می شود
 این اخبارات که سید پیشین است اخبار پانزده میسکه که یکی از مساجد میان پورس
 که نامور سکرده و سکرده و ملن با کوف خود پسندون از فتنه کهای خود خست محال که
 روزی که در دوره و کول یکی از سردمیان با کول و برقتل شیه از قاتل هم خبری نیست
 ایضا اخبار که میسکه که در شهر روان یکی از کاربان دولتی را در مقام قتل
 رسانیده اند این قتل معاصله از قدم اول مانده بود و سکرده تعجب است این اخبارات
 مشهوره که هر روز در سکرده اعلان است سکرده استیلا ظاهر اعلان است سکرده است
 که اگر اقرار با امنی شود پادشاه باید در آن استیلا اقدام و در حقیقت خرابی یا در ترویجی

عبد دعای و بخت است اگر این مثل غارت با بیستی نمی چرم شود امانی
 زیاد و چیزی شده باز بنامی زادی را خواهند گذارد افزوده است که سکرده لاکهار سینه
 خواهد آمد اگر سکرده بپند نماید قطار کشی سکرده لازم خواهد آمد ابالی سکرده سینه
 در بی از رقب سکرده ساکت اند و سکرده شود که سکرده ان فرمای جدید را ای در پیش
 که سکرده پیش از اخبارات موشی که سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده

(سیاست و الاحضرت ایرافغانستان)

حق واقع نیست هر قدر از سیاست ای قضا قابلیت و الاحضرت ایرافغانستان میان شود
 که تمام اخبارات فرنگت الاحضرت ایرافغانستان را در سیاست و پولیک و مسالمت
 شخص سیاسی از اخبارات فرانسوی که سکرده است که مسلمانان عالم وجود نشینند
 افغانستان ملکی بود که هزاره لکه که چون ضلوعی ایاالت فرانسوی بود و در حاشیه های
 که سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده
 و در قیام که امروزه افغانستان در زیر سایه این سکرده سکرده و سکرده سکرده سکرده
 همسایه خرد چندان رابطه ندارد و کار و راهها و لیاقت آن نوعی حسن میان نیست
 با سکرده دولت انگلیس او کالاف شاه میگویم که سکرده سیاسی ایرافغانستان جنگ
 جلوی اندر و این سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده
 واقعا در اول بقدری در سکرده در سکرده و که در سکرده ایچا که سکرده سکرده سکرده
 شکرده سکرده سکرده تمام امورین سکرده که در جنگ سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده
 که سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده
 ایسکه اگر خدای را یاری آن خود که قول او را سکرده ایچا که سکرده سکرده سکرده
 کرده و یکسال این طرف فراه بگذرن سکرده سکرده که وکیل سیاسی روس فتنه و کالاف
 و سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده
 ایچا که سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده
 افغانستان چهار فریاد میزند که سکرده ای افغانستان تربیت را در سکرده است
 ایچا که سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده
 دولت انگلیس خیال مل افغانستان باشد ایچا که سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده
 گفت سکرده که سکرده ای افغانستان که سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده
 است سکرده اخبار پانزده میسکه که از سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده
 سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده
 سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده
 سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده
 سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده
 سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده سکرده

انگلیس و تسلیم داند و تجدید مصر براسطه وزارت اول پای بندی ایران و مورد و وقت
از به نامی عدم ایفای حدود و عدم استحقاق عدم قوت لای خود را که دلیل عدم تجدید مصر
داشتت مجال سینه انگلستان خریدش میکردند و امر انضامی نموده اند و در وقت
همیشه با حقوق خود است و بر احوای حقوق خود در پناه سکوت جایزه و نیز مقبول است
از به حال سینه انگلستان که ملی خود را بر صراطها دارند و در عالم سیاست لولای یافته
پیش رفت این مقاصد و شواست این مقالات اخبارات کلیه آیه باون که
سودن است

(لبنه)

بجول کنی اخبارات انگلیس که چون طبقه ای بندر خود را دولت ایران بکومت تسلیم
نموده است و درین باب بر سر زبان رانی هم در حق دولت ایران میگویند که کسی نیست که
بجول اخبارات انگلیس و قوی تر شده به از جنگی که یکبار حرکت نماید و هر چه که از آنانی از
ایاد استماع کرده اند که آنچه جای می واجب است اول باید حکم برین در جنگ نمود و آنچه
فکر کرده اند که حکم لطافت کردند و در یکی از اخبار انگلستان چهار جنگی کرده و هر چه که
تجزیای منزه شده و قبل نوشته ام بر سر قوی نیست که حکومت لجنه را شیخ محمد بن جعفر
دولت داده باشد اخبارات انگلیس میگویند که این است و ایران نوزاد است که در جریان طلوع
فارس است و تصرف نموده مناسب قبل از آنکه ویران تصرف نموده دولت انگلیس که قوی
برگشت تصرف و انتظام نماید چه که ایران از اقتضای بنا در فارس بتنگ آمد
در ارضی است که دولت انگلیس تصرف کند تمام غایبی دولت ایران از خلیج فارس باشد
قوان می شود اگر دولت انگلیس شش هزار تومان بدهد که دولت ایران بخری و هر چه
بمسئول دولت انگلیس سینه شالی در مین انحصار ملک خلیج فارس معلوم نماید
بیشتر بناد و کوشش شود و نهایت کند

احداثات عمالک عثمانی حسب وقایع نگاریان جنگی

این نام اخبارات ترکی و در حال سیاست ترک یاده است من باطلع فارس بنیاید
اخبارات ترکی میگویند که در اول جنگ نو با چشم خود در صده و تصرفات اثبات حق و
خود خلیج فارس از خصم دولت انگلیس خلیج فارس صرفا در از ایران نیست
که تمام ارضت که با جانب چشم و شی که خلیج فارس به ملک و آبای شط است
این رو اگر در تصرفات جانب چشم نویسیم حقوق بهم خیزد و هر چه کرد
اخبارات ترکی میگویند که در روز افش کردن دولت انگلیس خلیج فارس منیع قوت
خود را از دست میدهد و چهارت جنگی او بر سر سینه خلیج فارس بنده در کوشش از
دولت انگلیس خلیج فارس امروزین بسیار کرده و در وقت انگلیس هم در طرف و
در خلیج فارس بگردد و در هر دو برین امران فرجی هستند و بنیاید اسم نیست

وقت و تقاضا در کوشش از این مراتب و لنگی دولت انگلیس خلیج فارس ظاهر
بشود

بقول اخبارات ترکی بنامان انگلیس با شیخ و در سالی اطراف از رحمت رانده و رساله
اشتی از لغت که در وقت مخالفت و نزاعات شخصی آنها از یک طرف حمایت کرده این سوله
اقتدار در شیخ خود را زیاده مینماید

چنانچه افزوده است یکی از شیوخ عربی سفیر این بر اسم که در اطراف کوشش
هر کس می کرده تحت حمایت خود آورده و از ممالک خارجه و مواعیل ایران اسم
طلب کرده شیخ مذکور را قوت داده اند

دولت انگلیس چون میزبان که راه آهن مصر را خلیج فارس بکشد و این خاراه آهن باید
از عربستان بگذرد و تا وقتیکه اقامت از خود را در عربستان کامل کند بطلد به و ناچار
گردد و تا وقتی حکومت عثمان شام منزه ازین عمل از قوه اصل بیرون نماند
لذا ما نیست که بنده رشید که در همه اشیا العرب و قسمت بقصه اقامت از خود آورده
بدر مشقه که تصرف بقصه دولت انگلیس است و دولت عثمان را بهای ارضی عرب
چندان مشکل نیست

لغذا لازم است که قبل از وقوع این واقعات بزرگ ما داشت علم با دولت علیه
ایران تمهید آورده بود باقیه که بشیم و درین معاملات بدون اتحاد و کارروایی
تمهید و کوتین ایران در هر دو کامیالی دشوار است چه ممکن است اگر تنها کارروایی
شود و گری با قریب ساخته مقاصد تشکیل نیند

دولت آلمان همین مصروفست که اتحاد خود را با دولت عثمانی زیاد نماید چنانچه
روز افش کردن اتحاد دولتین مشارالیهها حکم میشود و قیاسا متن راههای معینه با
آلمان از روزم حاصل میکند لوازم قوت و اسلحه و غیره را دولت عثمانی از آلمان میگیرد
این اتحاد و تجارت دولت آلمان بقدری نامفست که کوشش انگلیس را بیرون
و اکنون آنچه قوت رسیده دوستی آلمان با دولت عثمانی منفرده نمی نیست

کفایت است تمام قرض دولت عثمانی را حساب نموده از آلمان قرض نمایند که
و بدول دیگر بگردانند تا آنکه دیگران سد باب قرضی دولت عثمانی شوند صرفا
آلمان هم بگیرد و هر چه رسانندی داده اند وزیر خزینه دولت علیه چهارده شسته
که در سه دو سال از روی خطاات بقدری تمام قرض دولت عثمانی او خواهد کرد
و انتظامات و ترقیات لازم هم عمل خواهد بود حالت آینه دولت عثمانی اینست
قابل اطمینان میان میکنند

وزیر جنگ دولت علیه سه ده امکانات بقدری قوتی چون ارتش که با عالی مرتبت
بهر روزم توابع اسلحه و ظاهر کرده و که دولت آلمان سینه است

انبارت که در این باب سافتن راه آهن بندر سید امیر خلیج فارس در این
انبارت مذکور میگردد و در این باره سابقه دولت عثمانی و امنیت ملک است
تجارت را هم معافه می نماید و در معاملات سیاحتی نیز خلیج فارس را از بند
روس و فرانس و آلمان و انگلیس که تجارت مشق به سوره و وقتی خود را بدست
عثمانی غنیمت خوانند و دست این اهل کون دست دول دیگر افکنده سافتن بیرون
آیند چه بدست یک سوی اطاعت سلطان طاعت دیگری تصور نیست علاوه بر
دولت عاقله است که قشون لازم شود بدون تکلیف در هر نقطه نوری قشون خود را
جسک خواهد کرد و اوقات قاور بر بعضی انبارت با این شرح

(تتمه ملکوفات)

کشتی ای جنگی که عامل توپا در او میباشند و شریک تنگ سوادان اند جزیره
دایمیل ریمان را تصرف شده و در ساحت قشون را بر سر راه جزیره
می نمایند تمام مذکور را مرکز سواست قضا خواهند داد
به ششم بیع انانی از لندن ایم پارلوف اگر غیر دولت روس در کون بود
جزیره کوریا تبدیل شده

دبارن ویرن ریس از جانب دولت ایتالیا سفارت لندن نازده شده است
سیاری از عزیزان و عهده داران از جانب دولت تارونی جهت شرکت در نهاد
مجلس صلح اسپانیا و آرزوی و پادیس خواهند رفت
(ملکوفات و اظلمه)

این هفته در بعضی از مجامع است که شکاری از اسکاکیان بوده ولی در نظری
که بیم خسته نباشد اگر باران آید بود میفرد که سال زراعت میشد مرغی ظاهر
در کوه پستی پیش سابق است بمیسی ۲۶ اگست نازده نفر مبتلای بطاعون
بیست و هفت نفر کف شده در سبلی قوت این مرض امروز زیاد است انگلر اف
بیست و هفتم ظاهر شده و شصت و هفت نفر مبتلای بطاعون و پنجاه و یک نفر کف
شده اند که اگر در کون هم مرض طاعون سرایت کرده باشد که ساجین به نورت رسد
مرض طاعون در کون خلیج خفیف بوده است در تمام پهنه وستان بواسطه اثر باران
بویانک شده و در طاعون هم نموده کرده است این معلوم میشود که پس نوزاد و کمان
در سبلی و بعضی مجامع میند باقی است غذا و نوزاد هم

(تکمیل و شصت)

در این پوسه نوزاد و نوزاد هم روزنامه تربیت که اهل ملت ایران را در این حق
سازگاری است که در کون و در کون فریز ما را شاد و دهن است و چند روزی
بدرمانی است و در کون آن تحلیف کرده بود و با داده بود و چشم مار در کون

دار است که خود روزنامه نوزاد که تربیت اولیون اخبار فارسیست که در وقت طبع و قی
میشود و اولیون تاریخ تمدن ملت ایران را نیز مبرمید که متفقای زمان است میباشند و اول
رسیده تربیات کلی ایران با تصور کرده و تعریف و توصیف این روزنامه که گویای
که نوزاد قلم ادیب فاضل و ارباب کمال آقای و کمال الملک دام قبال که از اولین رجال با
دانش صاحب سیاست و فضل و دانشنامه ایران اند میباشند مقالات شایسته و جود
و نشین این امر که ارمی تبریف در دنیا به نهم در دیدن است قیمت این که هر یک چهارده
گران به سالانه سه تومان است که تخمینه در کهنه وستان دو روید باشد طبع با
معلم اول و بعد از آنکه شروت و ادرا را بنویسم محبت پادشاهان و وزیران است
که مکتب محبت تعلیم زبان فارسی ازین نازد گرامی بهتر و سید میباشند درین نهمه عمرانی
من باب جلالتین و ترغیب عاقله قوت طرف این بسیده نوشته بودند که او در جلالتین
از شکر آن عاقله است بل غله پاک بیاید که شود قابل فیض از نده او نده خاندانم
که شماره آن اداره محترم را در دست راست است این در روشن نمیرد قائم و پایدار
در کهنه وستان با داده و فارغ طالب این نازد گرامی باشد مخصوصا جرح طبعان و در داده
روزنامه تربیت نماید و اگر بواسطه بد سیاست آدم و قیمت نوزاد باشد با داده جلالتین
یا بکلای اداره جلالتین در بر جا رجوع نماید باهمل و کون چه خواهد یافت از تمام کلام
جلالتین نیز خواهد شنید این هم کون نازد گرامی تربیت را از این ان طلب کنی یا راستی و صحت
با داده مبارک که تربیت نمایند با اطلاع با داده جلالتین دهند

(اعلان)

وکالت مرکزی طهران جلالتین و متصاح لکهنه با جناب خطاب آقا میرزا حسین
مکلف مردم محبت و اسلام آقا سید محمد زمانی کاشانی در حسن تره شاد و شاد
امور است اجتهاد این دو اداره از قبیل ایصال بوجبات و مول فاعلم دولتی و حیرت
دختر است جلالتین و در طهران حقول ایستاد کرده و دولت منزل جناب خطاب اهل کرم محمد آقایی
بیرزا مصطفی خان مومنین لاد و دام قبال العالی شیا کون بود رجوع نماید

(کلکتا)

هوای کلکتا قدری خنک شده باران هم خالی بود روزی باروری چند نوبت حساب کردیم
یکه در تیر و سوم همیشه هوای کلکتا از دریه اعتدال همون سرد و اسباب کلکتا است
کلکتا معتدل است در مرض طاعون در شش روز کون و باران که در کون و باران
که شته نوشته بودیم بود که نامورین که تکلیف بل صلاح نده چند نفر طاعون پیدا است و در
کلکتا عالی اطاعون نشود و از لاد طاعون خارج کرد و انگلیس نیز چند روزی که مرض طاعون
کسی گرفتار شده باید که در روز نوزاد یا نوزاد امور کلکتا سلامتی است هوای کلکتا
ظاهر شده و نسبت بنزلات سابقه خلیج بهتر است
جلالتین